

دهد و باعث می شود که سرمایه گذاران با اعلامتهای سر در گمی مواجه شوند و مسائلی به وجود آید که می تواند منجر به تعطیلی بنگاه های اقتصادی شود. فلسفه اصلی هدفمند کردن یارانه ها اعمال قیمتتهای در ست و شفاف در کنار بحثهای دیگری است از جمله اجرای عدالت که یک نکته کلیدی است. بحث این است که با اعمال درست و شفاف قیمتتهای یکسری از مردم دچار مشکل در پذیرش این قیمتتهای در حوزه اقتصاد می شوند، بنابراین سیاستگذار باید در هدفمندی یارانه ها به دنبال جبران آثار عقب ماندگی مالی نیز باشد اما اتفاقی که در مرحله اول افتاد این بود که این جبران عقب ماندگی مالی به دلیل کاهش قدرت خرید نصیب همه شد و توزیع همگانی و یکسان برای همه اقشار جامعه صورت گرفت که این با عدالت اقتصادی سازگاری ندارد. در مورد هدفمند کردن یارانه ها که در دولت قبلی شکل گرفت این سوال مطرح است که چرا منابع نقدی را به طور یکسان و مساوی بین همه توزیع می کنید. این ناعادلانه ترین شیوه توزیع است که رقی را به طور مساوی بین همه تقسیم کنیم و توانمندی ها و ظرفیتهای را نبینیم...

شاید این اشکالی که وجود دارد به این دلیل است که دولت قبلی نتوانست به درستی دهکهای درآمدی را شناسایی کند؛ آیا بسترهای کافی داریم که بتوانیم تعیین کنیم هر فرد ایرانی عضو کدام دهک درآمدی است تا آن عدالتی که می فرمایید را محقق کنیم؟

- من جزو آن دسته از کارشناسانی بودم که از ابتدا با توزیع نقدی یارانه ها مخالف بودم. الان هم مخالفم [دوبار تکرار می کند] به خاطر آثار و تبعاتی که به وجود می آورد. کار اصلی بانک تجهیز منابع است و از سمت دیگر تخصیص منابع؛ یعنی مردم خودشان تک تک نمی توانند مازاد درآمدشان را به گروه هایی وام بدهند و این امکان خیلی هزینه های مبادلات در اقتصاد را بالایی برد. این شیوه را نیز می توانید در هدفمندی یارانه ها ببینید. هدفمند کردن یارانه ها آمد تا یک شفافیتی به اقتصاد بدهد و می توانست به جای توزیع نقدی که تبعات منفی در تولید داشت و توزیع ناعادلانه را به وجود آورد (به خاطر یکسان بودن آن)، روشی دیگر را اتخاذ کند.

یعنی به عبارتی مساوات رعایت شد ولی عدالت رعایت نشد؟
بله عدالت رعایت نشد. با اجرای آن قدرت خرید یکسری افراد کاهش پیدا می کرد و ما باید این دسته را شناسایی می کردیم و به آن ها به نوعی که مطلوب بود رسیدگی می کردیم. البته این رسیدگی را بحث دارم. یک عده می گویند نقدی و یک عده می گویند غیر نقدی که من موافق غیر نقدی هستم.

چگونه؟

ببینید. شما در جامعه و حوزه های اقتصادی و اجتماعی مثل رفاه، امنیت، سلامت، آموزش، حمل و نقل؛ هر کدام از این ها را که ببینید دریایی از مشکلات در آنها هست. مثلاً اگر دولت می آمد و یارانه ها را به یکی از این حوزه ها تخصیص می داد مثلاً سرمایه گذاری های آنجانی با ارقام کلان یارانه های نقدی که ۳۵۰۰ میلیارد تومان در ماه است؛ انجام می گرفت؛ می دانید چه تحول عظیمی در حوزه حمل و نقل می توانست به وجود آورد. در حوزه سلامت و بهداشت؛ امروز مردم دارو و هاراسانسور می کنند. اخیراً گندم به یکی از داروخانه های شبانه روزی افتاد و شاهد بودم که طرف به متصدی داروخانه می گفت از مقدار داروها کم کن که رقم بالا نرود. یعنی فرد از سلامت خودش می زند. من معتقدم اگر دولت به جای ارایه یارانه نقدی به صورت تک تک به هر یک از احاد ملت، این ارقام را تجمیع می کرد و در حمل و نقل، آموزش، سلامت و بهداشت و امثال آن سرمایه می شد، بسیار می توانست کمک کند و حداقل می توانستیم که بگوییم مشکل حمل و نقل را حل کرده ایم یا مشکل آموزش را حل کرده ایم.

این چه تفاوتی با قبل از هدفمندی یارانه ها دارد؟ قبل از هدفمندی هم یارانه ها به بخش سلامت و بهداشت و غیره اختصاص می یافت و...؟

نه، آن موقع قیمت افزایش نیافته بود، و جوهری از مردم نمی گرفتند. قیمت سوخت ما که این رقم فعلی و لتری ۷۰۰ تومان



یارانه غیر نقدی و نحوه حمایت از تولید در گفت و گوی یک ساعته با دکتر مستخدمین حسینی

شناسایی کم درآمد ها خیلی راحت تر از ثروتمندان است

حسین بردبار

هر چند تحمل ترافیک سنگین خیابان ولی عصر (عج) تا سر جام جم در بعد از ظهر یک روز سردانتهای بهمن ماه برای رسیدن به دفتر کار دکتر حیدر مستخدمین حسینی در ساختمان شیشه ای سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران خیلی خسته کننده است اما با ورود به بحث داغ اجرای گام دوم هدفمندی یارانه ها و چالش رودرروی یک ساعته با این اقتصاددان کاملاً فراموش می شود، به ویژه وقتی بشنوی که مصاحبه شونده صراحتاً با پرداخت نقدی یارانه مخالف است. می خواهی بدانی چرا؟ پس چگونه باید گام دوم هدفمندی یارانه ها را اجرا کرد؟ آیا این نگرش به معنی حذف یارانه ها نیست؟ تکلیف حمایت از اقشار ضعیف جامعه در اجرای هدفمندی چه می شود؛ چطور باید آنان را شناسایی کرد و چندین پرسش دیگر که پشت سر هم در ذهن مخاطب نقش می بندند و البته این مدرس دانشگاه که سابقه عضویت در شورای پول و اعتبار و شورای عالی بانکها را در کارنامه دارد، برای هر کدام از آن ها پاسخی در خور توجه مطرح می کند. دکتر مستخدمین حسینی یک انتقاد جدی هم دارد و آن نبود یک استراتژی صنعتی مشخص برای تعیین تکلیف رویکردهای آینده صنعت کشور به ویژه در بحث نحوه حمایت از تولید در اجرای هدفمندی یارانه ها است.

اکنون دغدغه های معاون اقتصادی و مالی و پشتیبانی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران برای اجرای گام دوم هدفمندی تنها صیغه صنعتی ندارد، او را هکارهای متعددی را برای چگونگی حمایت واقعی از خانوارها نیز مطرح می کند و معتقد است به جای شناسایی خانوارهای ثروتمند و دهکهای بالای درآمدی باید دهک های ضعیف و مستمند شناسایی شوند... جزئیات بیشتر را در پرسش و پاسخ با وی می خوانید:

افراد بر روی آن نظر مساعدی دارند اما تفاوتهایی که وجود دارد و سلیقه هایی که به لحاظ علمی برای اجرای آن مورد نظر است، بحث دیگری است. نکته کلیدی هدفمندی یارانه ها در مورد این است که اصولاً برای چه مطرح می شود. شفافیت قیمتتهای یکی از نکات اصلی در حوزه اقتصاد است و اگر قیمتتهای شفاف نباشد برای ایجاد فعالیتهای اقتصادی و تداوم آن علامت مثبت نمی

الان در محافل کارشناسی بحثهای زیادی در مورد گام دوم هدفمندی یارانه ها مطرح است؛ ابتدا بفرمایید ضرورت دارد که

استارت گام دوم از سال آینده بخورد یا خیر؟

دکتر مستخدمین حسینی: کمتر کسی است که بتواند به بحث هدفمندی یارانه ها به لحاظ ساختاری اشکال بگیرد و اکثریت



ویژه نامه نوروزی

روزنامه خراسان

فروردین ۱۳۹۳